



## Presenting the model of marital compatibility based on the power structure in the family with the mediation of marital justice in couples working in the armed forces

Reyhaneh Jabbari <sup>1</sup> | Kianoush Zaharakar <sup>2</sup> | Ismail Sadri Demirchi <sup>3</sup>

### Abstract

**Purpose:** The main purpose of this study was to present a marital adjustment model based on the power structure in the family with the mediation of marital justice in working couples.

**Method:** The population of this research was formed by couples working in the armed forces of Tehran in 2020-2021, from which 300 couples were selected by non-random sampling method. The tools of this research were the power structure questionnaire in the Saeedian family (2003), the perception of justice questionnaire in Perry's marital relationships (2004) and marital compatibility (Spanier (1976)). Data were analyzed by SPSS22 and Imus statistical software with correlation and path analysis.

**Findings:** The research findings showed that family power structure has a direct positive effect on marital adjustment ( $\beta=0.81$  and  $P<0.01$ ). On the other hand, the power structure has a positive and direct effect on marital justice ( $\beta = 0.55$  and  $P < 0.01$ ) and the positive and direct effect of marital justice on marital compatibility was confirmed ( $\beta = 0.18$  and  $P<0.01$ ). Also, the investigation of the mediating role indicates that justice has a mediating role between family power structure and marital adjustment ( $\beta=0.10$  and  $P<0.01$ ).

**Conclusion:** In general, the results show that the research model based on the relationship between power structure in the family and marital adjustment and the mediation of marital justice in couples has a favorable fit

**Keywords:** Marital Compatibility, The Power Structure In Family, Marital Justice, Working Couple.

DOR: 20.1001.1.25885162.1401.13.52.1.1

1. Consulting Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
2. Corresponding author: Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran  
Drzaharakar@gmail.com
3. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

## مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۶/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۸/۲

صص: ۳۱-۱۱

شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۵۱۶۲  
الکترونیکی: x: ۲۶۴۵-۵۱۷

## ارائه مدل سازگاری زناشویی بر اساس ساختار قدرت در خانواده با میانجی‌گری عدالت زناشویی در زوجین شاغل در نیروهای مسلح

ریحانه جباری<sup>۱</sup> | کیانوش زهراکار<sup>۲</sup> | اسماعیل صدری دمیرچی<sup>۳</sup>

## چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه مدل سازگاری زناشویی بر اساس ساختار قدرت در خانواده با میانجی‌گری عدالت زناشویی در زوجین شاغل بود.

روش: جامعه این پژوهش را زوجین شاغل در نیروهای مسلح شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند که از این جامعه، ۳۰۰ زوج به روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس انتخاب شدند. ابزار این پژوهش را پرسش‌نامه ساختار قدرت در خانواده سعیدیان (۲۰۰۳)، پرسش‌نامه ادراک عدالت در روابط زناشویی پری (۲۰۰۴) و سازگاری زناشویی (اسپانیر (۱۹۷۶)) تشکیل دادند. داده‌ها به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS22 و ایموس با روش آماری همبستگی و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد ساختار قدرت خانواده دارای تأثیر مستقیم مثبت بر سازگاری زناشویی ( $\beta = 0/81$  و  $P < 0/01$ ) است. از سوی ساختار قدرت بر عدالت زناشویی دارای اثر مثبت و مستقیم است ( $\beta = 0/55$  و  $P < 0/01$ ) و اثر مثبت و مستقیم عدالت زناشویی بر سازگاری زناشویی مورد تأیید قرار گرفت ( $\beta = 0/18$  و  $P < 0/01$ ). همچنین بررسی نقش میانجی حاکی از آن است که عدالت دارای نقش واسطه‌گری در بین ساختار قدرت خانواده و سازگاری زناشویی ( $\beta = 0/10$  و  $P < 0/01$ ) است.

نتیجه‌گیری: به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد که مدل پژوهش مبنی بر رابطه ساختار قدرت در خانواده با سازگاری زناشویی و میانجی‌گری عدالت زناشویی در زوجین از برآزش مطلوب برخوردار است. کلیدواژه‌ها: سازگاری زناشویی؛ ساختار قدرت در خانواده؛ عدالت زناشویی؛ زوجین شاغل.

DOR: 20.1001.1.25885162.1401.13.52.1.1

۱. گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. نویسنده مسئول: گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. Drzahrakar@gmail.com

۳. گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

## مقدمه

ازدواج رویدادی مهمی است که به عنوان همراهی مادام‌العمر با یک فرد دیگر که مبتنی بر اعتماد، تعهد، حمایت، روابط عاشقانه و شور و شوق بوده و از عوامل اجتماعی و اقتصادی مختلفی همچون اشتغال تأثیر می‌پذیرد (بگم، مقتهار، وانی و سنق، ۲۰۱۷). زن و شوهر قلب زندگی ارتباطی یک خانواده است (جانسون و همکاران، ۲۰۱۹). امروزه تعداد زوج‌های شاغل رو به افزایش است (تراناکو، ۲۰۱۷). زندگی زوجین هر دو شاغل با تعارضات بسیاری روبه‌رو است و این تعارضات می‌تواند رضایت زناشویی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. از سویی خانواده‌ها با درخواست‌های مداوم تغییر از سوی تحولات رشدی، چالش‌های روزمره‌ی زندگی و بحران‌های غیرمنتظره روبه‌رو هستند که هر کدام از آن‌ها زوجین را ملزم به یافتن و حفظ تعادل عاطفی و انسجامی می‌کنند تا ثبات آن تأمین شود (استیل و استیل، ۲۰۱۸). در این بین موفقیت در زندگی زوجین، وابسته به موفقیت آن‌ها در سازگاری با هم بوده و ناسازگاری زوجین منجر به تعارض و تنش می‌شود (سایر، ۲۰۱۶). به طوری که نسل امروز نسبت به گذشته از پدیده‌ی طلاق وحشت و اضطراب خاصی به خود راه نمی‌دهند و این امر در حال جافتادن در جامعه است (اولدهام، ۲۰۱۸). طی دهه‌ها، کاهش تعداد ازدواج‌ها و افزایش نرخ طلاق در سراسر جهان به عنوان چالشی برای پیوند زناشویی و ازدواج‌های سالم و بهداشتی پدیدار شده است. علی‌رغم این واقعیت که آمارها اختلافات مختلفی را نشان می‌دهد، میزان طلاق خام (تعداد طلاق/ ازدواج در سال در هر ۱۰۰۰ نفر) در مقایسه با چند دهه قبل در اروپا و ایالات متحده بالا بود (کمیسون اروپا، ۲۰۱۵).

سازگاری بین زن و مرد در خانواده از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که یکی از این عوامل، شاغل یا غیرشاغل بودن زن است. اشتغال از مباحث مهم عصر حاضر جهت گسترش مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان است که تغییرات بسیاری را در ساختار ارزشی، فرهنگی و هنجاری خانواده و جامعه به وجود آورده است (شربتیان، ۱۳۸۸). فعالیت زن در بیرون از خانه گرچه به بالارفتن درآمدهای خانواده و برخورداری از تسهیلات رفاهی بیشتر می‌انجامد؛ اما نه تنها ممکن است سازگاری و آرامش بیشتری را به ارمغان نیاورد، بلکه ممکن است به خسارت‌های

جبران ناپذیری نیز منجر شود (احمدنیا، ۱۳۸۳). سازگاری زناشویی به عنوان ادغام یک زوج با ویژگی های شخصیتی متفاوت در یک پیوند به منظور تکمیل یکدیگر برای رسیدن به خوشبختی و اهداف مشترک تعریف می شود (بورگس و کتل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸؛ به نقل از آکتاش<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). سازگاری زناشویی متغیر مهمی در روابط زناشویی به حساب می آید و به فرایند اصلاح، سازش و دگرگونی فرد و الگوهای تعاملی زوج ها به منظور دستیابی به حداکثر احساس رضایت در رابطه اطلاق می شود (ژاویانگ و مارتایر، ۲۰۱۸). در واقع سازگاری زناشویی فرایندی است که طی آن هر دو عضو زوج به طور فردی و یا با همکاری یکدیگر تغییر و اصلاحاتی را در الگوهای رفتاری شان در روابط برای رسیدن به حداکثر رضایت زناشویی اعمال می کنند و لازمه آن شناخت صفات شخصی، انطباق سلیقه ها، ایجاد قواعد رفتاری و شکل گیری الگوهای مرادده ای است (بالی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). برای رسیدن به وحدت و همبستگی در خانواده، زوجین باید در مورد مسائل اقتصادی، مدیریتی و روانی اجتماعی مانند ارتباطات، ارزش و اهداف، تصمیم گیری، نحوه انجام فعالیت های مربوط به خانه، ارتباط با اقوام نزدیک، استفاده از زمان آزاد و مدیریت درآمد، به توافق رسیده و بنابراین آن ها باید سازگاری زناشویی را ایجاد کنند. در صورتی که نتوانند به سازگاری زناشویی برسند، ممکن است در اتحاد و همبستگی خانواده مشکل ایجاد شود که منجر به اختلاف، تخریب عاطفی و انحلال خانواده شود (ترززی اوغلو<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷؛ نقل از آکتاش، ۲۰۱۸). در برخی از تحقیقات رابطه ی مثبتی بین سازگاری زناشویی با اشتغال گزارش شده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۹). سازگاری زناشویی می تواند به طور کامل بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر بگذارد و تحقیقات انجام شده، تأثیر آن را بر انواع نتایج گسترده های بالینی مانند بهداشت روانی، بهداشت جسمانی، رضایت مندی از شغل و حتی طول عمر تأیید نموده اند (تیم کاپلی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ نقل از سلیمی و نجارپوریان، ۱۳۹۴). بررسی تحقیقات وجود ارتباط بین

1. Burgess EW, Cottrell
2. Aktaş
3. Bali
4. Terzioğlu
5. Timm & Keiley

ویژگی‌های دموگرافیک، شامل سن، نژاد، درآمد، تحصیلات، مدت زمان ازدواج و میزان مذهبی بودن را با سازگاری زناشویی نشان داده‌اند (نوکس و اسکات<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ نقل از سلیمی و نجارپوریان، ۱۳۹۴). وجود افت‌وخیزهای سازگاری زناشویی و کاهش آن در خانواده نشان از وجود مشکلات، درون سیستم خانواده است. از این رو سازگاری زناشویی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم زندگی زناشویی همواره مورد توجه مشاوران و روان‌شناسان است و سعی می‌کنند با ارائه‌ی رویکردها، چارچوب‌ها و مدل نظری و استفاده از آنها، مسائل درون خانواده را مفهوم‌سازی کرده و از مشکلات موجود درون سیستم خانواده بکاهند. بنابراین توجه به عوامل ساختاری و درونی خانواده برای فهم سازگاری زناشویی از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از عواملی ساختاری خانواده که می‌تواند در سازگاری زناشویی زوجین اثرگذار باشد، ساختار قدرت در خانواده است. معنای عام قدرت، توانایی کنترل بر رفتار سایر افراد به‌رغم میل آن‌ها است؛ اما قدرت در خانواده به قدرت در تصمیم‌گیری‌ها معطوف است بدین معنا که هنگام تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، امور اجتماعی، اقتصادی، تربیت فرزندان و غیره چه کسی حرف آخر را می‌زند (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). ساختار توزیع قدرت در خانواده را بر مبنای اینکه چه کسی تصمیم‌های اساسی و مهم می‌گیرد به سه الگو تقسیم کرده که عبارت از حاکمیت مرد یا مردسالار، حاکمیت زن یا زن‌سالار و مشارکتی است. برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که ساختار قدرت در خانواده پیش‌بینی‌کننده‌ی سازگاری زناشویی است و الگوی ساختار قدرت در سازگاری زناشویی نقش مهمی دارد (خاکپور، نظری و زهراکار، ۱۳۹۳).

عدالت زناشویی از دیگر متغیرهایی است که می‌تواند در سازگاری زناشویی نقش داشته باشد. عدالت ادراک‌شده ارزیابی ذهنی فرد از برابری در یک رابطه‌ی دو نفره و یا بیشتر تعریف می‌شود و از تجارب پیشین فرد، ایدئولوژی و سرمایه‌ی انسانی شخص در رابطه با دیگری و قضاوت او درباره هزینه‌ها و پاداش‌ها تأثیر می‌پذیرد (فریکسو و ویلیامز، ۲۰۰۳). عدالت در رابطه‌ی زناشویی معادل عدالت زناشویی است که در رابطه‌ی زناشویی غیرمنصفانه یک شریک بیش از حد بهره‌مند

1. Knox & Schacht

و دیگری کمتر از آنچه باید باشد که این موضوع، افسردگی، رنجش، احساس فریب خوردن و یا محروم شدن را به دنبال دارد (سالیوان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). در نظریه‌ی عدالت باور بر این است که زمان‌هایی که بی‌عدالتی وجود دارد قسمت‌هایی از یک رابطه دچار اضطراب و پریشانی می‌شود و نتایج پژوهش‌ها از این نظریه حمایت می‌کند (پری، ۲۰۰۴؛ دی مریس، ۲۰۰۷). برخی از پژوهش‌ها ارتباط معنی‌داری بین عدالت و سازگاری زناشویی (توافق زوجی، رضایت زوجی و انسجام زوجی) (استغفاری و رمضانی، ۱۳۹۸) ادراک عدالت در تقسیم کارهای خانه با رضایت زناشویی (کرامر و پاک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸) را گزارش کرده‌اند. تحقیقات در زمینه اثرات تقسیم نابرابر کار بر رضایت زناشویی در رابطه، نتایج متناقضی را نشان می‌دهند و به نظر می‌رسد که ادراک عدالت و عدالت تقسیم کار خانگی در رابطه زناشویی به جای مبادله‌ی برابر کار، تأثیر مثبت بر رضایت زناشویی دارد (براون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). عدالت به این دلیل دارای اهمیت است که بسیاری از ابعاد رابطه‌ی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ادمز<sup>۴</sup>، ۱۹۶۳؛ به نقل از شکرکن، ۱۳۹۳). افرادی که رابطه‌ی زناشویی خود را منصفانه ادراک می‌کنند برای حفظ آن می‌کوشند؛ اما اشخاصی که رابطه‌ی خود را غیرمنصفانه ادراک می‌کنند دلیلی برای حفظ آن نمی‌بینند (کاناری و یام<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). به‌طوری که خیانت زناشویی (مانسچا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵)، مثلث‌سازی و رفتارهای تلافی‌جویانه و نظارتی (بوردرگی، سانگ، گونزالز، کرسین و مارتینز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵) ممکن است تلاشی در جهت احیاء عدالت و عدالت در رابطه زناشویی باشد. زنان شاغل به دلیل ساختار قدرت در خانواده و نقش‌ها، فشار کاری زیادی را تحمل می‌کنند که در درازمدت می‌تواند به ادراک بی‌عدالتی در آن‌ها منجر گردد که می‌تواند روی سازگاری زناشویی تأثیر غیرمستقیمی داشته باشد. بنابراین، گاهی عدالت و عدالت در روابط زوجین از جمله در ساختار قدرت در خانواده، خرج خانواده و نگهداری از فرزندان و ...

1. Sullivan
2. Kramer and Pak
3. Brown
4. Adams
5. Canary & Yum
6. Munscha
7. Burdge, Song, Gonzalez, Kressin & Martinez

را از خانواده اصلی با خود به ازدواج می‌آورند که می‌تواند منجر به سطح مطلوبی نیز از سازگاری زناشویی گردد. بنابراین توجه به تجارب اولیه در خانواده اصلی می‌تواند به ادراک عدالت از ساختار قدرت در خانواده گردد و شیوه انطباق با آن‌ها روی کیفیت زندگی و سازگاری زناشویی تأثیر بگذارد (ویتن، ۲۰۰۸؛ نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). برخی از پژوهش‌ها ارتباط عدالت زناشویی با سبک‌های حل تعارض غیرسازنده (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴)، ساختار قدرت در خانواده و سازگاری زناشویی (خاکپور، نظری و زهراکار، ۱۳۹۳) را نشان دادند.

امروزه با گسترده شدن امور زندگی، موضوع اشتغال خارج از خانه زن ضرورت پیدا کرده است. این امر سازگاری زناشویی زنان شاغل و اهمیت موضوع و چگونگی بررسی آن را روشن می‌سازد. تاکنون مدل‌های مختلفی در ارتباط با سازگاری زناشویی مورد برآزش قرار گرفته است. برای مثال سلم آبادی، کلانتر کوشه و شفیع آبادی (۱۳۹۳) تدوین مدل سازگاری زناشویی با توجه به سبک زندگی اسلامی و کمال‌گرایی را مورد آزمون قرار دادند. همچنین نظری‌راد، امامی‌پور و حسینی (۱۴۰۰) به بررسی برآزش مدل سازگاری زناشویی بر اساس امنیت روانی، صفات شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی و نقش واسطه‌ای رشد روانی پرداختند. یوسف‌نیا، قربان شیرودی و همایونی (۱۴۰۰) نیز مدلی ساختاری سازگاری زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی از طریق میانجی‌گری مهارگری زناشویی در زنان متأهل را مورد توجه قرار دادند. عارفی، رحیمی و شیخ اسمعیلی (۱۳۹۵) پیش‌بینی مدل سازگاری زناشویی بر مبنای میزان تمایز یافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین مورد ارزیابی قرار دادند. از سوی دیگر مدل سازگاری زناشویی بر اساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحواره حوزه محدودیت مختل و راهبردهای مقابله‌ای توسط اینانلو گنجی، منیرپور و حاجبی (۱۳۹۸) بررسی شد. رجبی، حیات بخش و تقی‌پور (۱۳۹۴) نیز به بررسی شاخصه‌های برآزش الگوی ساختاری سازگاری زناشویی بر اساس مهارتمندی هیجانی، صمیمیت، رضایت زناشویی پرداختند. با توجه به تکثر مدل‌های ارائه شده در زمینه سازگاری زناشویی، به نظر می‌رسد قدرت در ساختار خانواده و عدالت مورد غفلت قرار گرفته‌اند. قدرت در ساختار خانواده، متغیر اجتماعی مهمی است که در بررسی هر ساختار اجتماعی از جمله خانواده باید مورد توجه قرار

گیرد و وجود تعارض در عدالت زناشویی با عدم رضایت زناشویی همراه خواهد بود. به‌طور کلی پژوهش‌ها به‌صورت پراکنده از ارتباط متغیرهای ساختار قدرت در خانواده و عدالت زناشویی یا سازگاری زناشویی حکایت دارد؛ ولی تاکنون پژوهشی که ارتباط این متغیرها را در قالب مدلی منسجم مورد ارزیابی قرار دهد، انجام نشده است. از این رو پژوهش حاضر به دنبال این پرسش است که آیا سازگاری زناشویی بر اساس ساختار قدرت در خانواده با میانجی‌گری عدالت زناشویی در زوجین شاغل پیش‌بینی می‌شود؟

## روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش مبنی بر پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس ساختار قدرت در خانواده با میانجی‌گری عدالت زناشویی در زوجین شاغل پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مطالعات همبستگی (تحلیل مسیر) است. جامعه این پژوهش را زوجین شاغل در نیروهای مسلح شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند. از کل جامعه‌ی پژوهش، ۳۰۰ زوج به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی دردسترس انتخاب شدند. حداقل حجم نمونه مدل معادلات ساختاری و تحلیل عاملی بر اساس تعداد سازه‌های اصلی یا متغیرهای پنهان تعیین می‌شود. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه‌ی لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه‌ی لازم ۲۰۰ می‌باشد. در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر مشاهده‌پذیر ۵ تا ۱۰ نمونه لازم است. هم‌چنین کف نمونه ۳۰۰ نمونه توصیه شده است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۴). در تحلیل عاملی تأییدی و مدل ساختاری، حداقل حجم نمونه بر اساس متغیرهای پنهان تعیین می‌شود نه متغیرهای مشاهده‌پذیر. در اینجا ۲۰ نمونه برای هر عامل (متغیر پنهان) لازم است. بطور کلی حداقل ۲۰۰ نمونه توصیه شده است (حبیبی و عدن‌ور، ۱۳۹۶). با توجه به شیوع بیماری کرونا و محدودیت‌های ناشی از آن، از پرسش‌نامه‌ی اینترنتی به‌جای مداد کاغذی استفاده شد. ابتدا پس از اخذ رضایت آزمودنی‌ها، لینک پرسش‌نامه و فرم تقاضای همکاری برای آزمودنی‌ها ارسال شد و آزمودنی‌ها به پرسش‌ها پاسخ دادند. پس از تکمیل تمامی



پرسش‌نامه‌ها فایل خروجی استخراج شد و داده‌ها با نرم‌افزار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از این رو با ذکر ملاحظات اخلاقی مبنی بر محرمانه بودن اطلاعات پرسش‌نامه، به آن‌ها اطمینان داده شد تا صادقانه به پرسش‌ها پاسخ دهند. پس از تکمیل و جمع‌آوری، داده‌ها با نرم‌افزار Amos و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## ابزار پژوهش

**پرسش‌نامه‌ی ساختار قدرت در خانواده:** این پرسش‌نامه ۴۶ سؤال دارد که توسط سعیدیان (۲۰۰۳) برای سنجش ساختار قدرت در خانواده در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای ساخته شد. این پرسش‌نامه دارای ۳ خرده‌مقیاس است:

۱. مقیاس قلمرو حوزه‌ی قدرت در خانواده که به بررسی حوزه‌های تصمیم‌گیری زن و شوهر در امور اقتصادی، روابط اجتماعی، امور مربوط به فرزندان و تعیین آن‌ها پرداخته شده است. پایایی در سؤالات خرده‌مقیاس اول که در پرسش‌نامه اولیه ۲۵ سؤال بود ۰/۷۶ به دست آمد که با حذف ۳ سؤال، پایایی آن به ۰/۸۳ رسید.

۲. مقیاس ساخت قدرت خانواده که به بررسی الگوی روابط قدرت حاکم بر خانواده و تشریح مساعی زن و شوهر در تصمیم‌گیری‌های زندگی می‌پردازد؛ به عبارتی این مقیاس میزان تقارن روابط زن و شوهر را نشان می‌دهد. پایایی در سؤالات خرده‌مقیاس دوم که ابتدا در پرسش‌نامه اولیه ۱۹ سؤال بود، ۰/۸۱ به دست آمد که با حذف ۲ سؤال، پایایی آن ۰/۸۵ رسید.

۳. مقیاس شیوه اعمال قدرت زن و شوهر که راهبرد برخورد و وادار کردن به رفتار زن و شوهر را نشان می‌دهد. پایایی در خرده‌مقیاس سوم که ابتدا در پرسش‌نامه اولیه ۷ سؤال بود، ۰/۶۴ به دست آمد که با حذف یک سؤال، پایایی آن به ۰/۷۱ رسید. سپس تغییری در یک سؤال - که مورد اشکال پاسخ‌دهندگان بود - به وجود آمد و نیز یک سؤال با پیشنهاد بسیاری از پاسخ‌دهندگان اضافه شد که پس از اجرای اصلی پرسش‌نامه، پایایی آن دوباره محاسبه گردید که در نهایت، پایایی مقیاس سوم ۰/۸۸ به دست آمد (سعیدیان، ۱۳۸۲). اعتبار این پرسش‌نامه در پژوهش برگندی

(۱۹۹۴) با روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس قلمرو قدرت زن و شوهری، ساخت قدرت و اعمال قدرت زن و شوهری به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۶۳ و ۰/۸۶ به دست آمده است. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس قلمرو قدرت زن و شوهری، ساخت قدرت و اعمال قدرت زن و شوهری به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۰ و ۰/۷۹ به دست آمد.

**پرسش‌نامه ادراک عدالت:** این پرسش‌نامه توسط پری (۲۰۰۴) در طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای ساخته شد. در این پرسش‌نامه عدالت به‌عنوان شاخصی برای سنجش ادراک عدالت در نظر گرفته شده است و شامل ۴ سؤال است که ادراک عدالت را در ۴ حیطه انجام‌دادن کارهای خانه، کار کردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد (پری، ۲۰۰۴). سؤال‌های این پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت به ترتیب از ۱ (بسیار ناعادلانه از نظر من)، ۲ (بسیار ناعادلانه از نظر همسر)، ۳ (تا حدی ناعادلانه از نظر من)، ۴ (تا حدی ناعادلانه از نظر همسر) و ۵ (عادلانه برای من و همسر) نمره‌گذاری می‌شوند. به این صورت که کمترین نمره ۴ و بالاترین نمره ۲۰ می‌باشد که به ترتیب نشان‌دهنده عدالت پایین و عدالت بالا در رابطه است (فرامرزی، ۱۳۸۸). پری (۲۰۰۴) پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کرد. خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود پایایی این سنجه را با روش آلفای کرونباخ در نمونه زنان ۰/۸۱ و در نمونه مردان ۰/۸۳ به دست آوردند. همچنین پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد. خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۱) همچنین ضریب اعتبار سازه این سنجه را با همبسته کردن آن با ۱۰ سؤال مربوط به متغیر رضایت زناشویی در پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ، که السون و همکاران (۱۹۹۲) ساخته‌اند، در نمونه زنان ۰/۷۰ و در نمونه مردان ۰/۶۱ محاسبه کردند ( $p \leq 0/001$ ). در این پژوهش آلفای کرونباخ برای ادراک عدالت ۰/۷۳ به دست آمده است.

پرسش‌نامه سازگاری زناشویی: مقیاس سازگاری دو عضوی گراهام اسپانیر ۱ (DAS) توسط اسپانیر در سال ۱۹۷۶ به منظور سنجش سازگاری بین زن و شوهرها و یا هر دو نفری که باهم

1. Spanier
2. Dyadic Adjustment Scale

زندگی می‌کنند تنظیم شده است. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد را می‌سنجد که عبارتند از: رضایت زناشویی، همبستگی زناشویی، توافق زناشویی و ابراز محبت. این مقیاس یک ابزار ۳۲ سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطه‌ی زناشویی از نظر زن یا شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می‌کنند. این ابزار برای دو هدف ساخته شده است. می‌توان با به‌دست آوردن کل نمرات، از این ابزار برای اندازه‌گیری رضایت کلی در یک رابطه صمیمانه استفاده کرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد رابطه را می‌سنجد. این چهار بعد از این قرارند: رضایت دونفری، همبستگی دونفری، توافق دونفری و ابراز محبت. نمره‌ی کل مقیاس با آلفای کرانباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است. رضایت دونفری ۰/۹۴، همبستگی دونفری ۰/۸۱، توافق دونفری ۰/۹۰ و ابراز محبت ۰/۷۳ (ثنایی، ۱۳۷۹). در این پژوهش نیز از طریق آلفای کرانباخ پایایی این مقیاس ۰/۹۴ به‌دست آمد. این مقیاس با روش‌های منطقی روایی محتوای چک شد. مقیاس سازگاری زن و شوهر با قدرت تمییز دادن زوج‌های متأهل و مطلقه در هر سؤال، روایی خود را برای گروه‌های شناخته‌شده نشان داده است. این مقیاس از روایی همزمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس همبستگی دارد (ثنایی، ۱۳۷۹). در ایران نیز این مقیاس در سال ۱۳۷۴ توسط آموزگار و حسین نژاد هنجاریابی شده است. این مقیاس با روش بازآزمایی و با فاصله ۱۰ روز روی نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ نفر از زوج‌ها (۶۰ مرد و ۶۰ زن) اجرا گردید و برای میزان همبستگی از روش گشتاوری پیرسون استفاده شد. ضریب همبستگی بین نمرات زوج‌ها طی دو بار اجرا در کل نمرات ۰/۸۶، مقیاس رضایت زناشویی ۰/۶۸، مقیاس همبستگی دونفری ۰/۷۵، مقیاس توافق دونفری ۰/۷۱ و مقیاس ابراز محبت ۰/۶۱ به‌دست آمده است. مقیاس نمره‌گذاری زن و شوهر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه‌بندی به‌دست می‌دهد. نمرات بالاتر نشان‌دهنده‌ی رابطه بهتر و سازگارتر است. سؤالات خرده مقیاس‌ها از این قرار است: رضایت زناشویی: ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۲؛ همبستگی دونفری: ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸؛ توافق دونفری: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲،

۱۳، ۱۴، ۱۵؛ ابراز محبت: ۴، ۶، ۲۹، ۳۰. نمره گذاری براساس مقیاس لیکرت انجام می شود. فلاحزاده و ثنایی (۲۰۱۲) اعتبار این پرسش نامه را به روش بازآزمون ۰/۸۱ گزارش کرده است.

## یافته ها

به منظور بررسی اطلاعات توصیفی، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات شرکت کنندگان در متغیرهای پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۴
ساختار قدرت خانواده	۸۷/۷۶	۲۱/۶۱	۱		
عدالت	۱۳/۱۳	۲/۴	۰/۴۸**	۱	
سازگاری زناشویی	۶۷/۰۵	۲۴/۳۵	۰/۸۲**	۰/۵۳**	۱

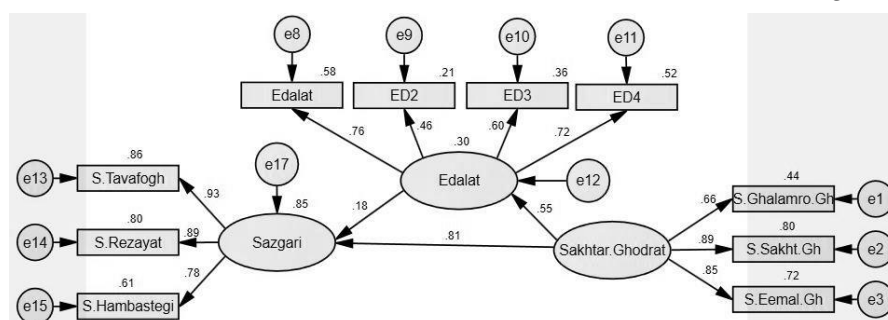
همان طور که جدول (۱) نشان می دهد میانگین و انحراف معیار به ترتیب برای متغیرهای ساختار قدرت خانواده ( $M=87/76$ ,  $SD=21/61$ )، عدالت ( $M=13/13$ ,  $SD=2/4$ )، و سازگاری زناشویی ( $M=67/05$ ,  $SD=24/35$ ) است. همچنین نتایج نشان می دهد که ماتریس همبستگی بین تمامی متغیرهای پژوهش معنادار است. از این رو امکان بررسی فرضیه های پژوهش مقدور است. به منظور بررسی فرضیه ی پژوهش، مبنی بر این که «عدالت نقش واسطه ای در بین ساختار قدرت خانواده و سازگاری زناشویی دارد» از بوت استرپ در تحلیل معادلات ساختاری به وسیله AMOS استفاده شد. در ابتدا شاخص های برازش مدل محاسبه گردید که نتایج این تحلیل در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. شاخص های برازش مدل

شاخص	$X^2/df$	P	GFI	AGFI	IFI	CFI	RMSEA
قبل از اصلاح	۴/۶۴	۰/۰۰۰۱	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۰۷

شاخص	X <sup>2</sup> /df	P	GFI	AGFI	IFI	CFI	RMSEA
بعد از اصلاح	۰/۷۸	۰/۰۷	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۱

در جدول (۳) هم شاخص‌های قبل از اصلاح و هم شاخص‌های بعد از اصلاح نشان داده شده است. شاخص‌های قبل از اصلاح نشان می‌دهد که مدل در ابتدا از برازش خوبی برخوردار نبود که با انجام اصلاحات مورد نیاز، مدل به برازش مطلوب رسید. شاخص‌های بعد از اصلاح نشان می‌دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است. در ادامه، نتایج حاصل از تحلیل فرضیه پژوهش در شکل (۱) و جدول (۴) ارائه شده است.



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل مفهومی فرضیه

جدول ۴. اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل فرضیه

مسیر	اثر مستقیم		اثر غیر مستقیم		اثر کل	
	P	B	P	B	P	β
ساختار قدرت بر سازگاری زناشویی از طریق واسطه‌گری عدالت	۰/۰۰۹	۰/۸۱	۰/۰۰۷	۰/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۹۱

همانگونه که نتایج شکل (۱) و جدول (۴) نشان می‌دهند، ساختار قدرت خانواده دارای تأثیر مستقیم مثبت بر سازگاری زناشویی ( $\beta = 0.16$  و  $P < 0.01$ ) است. بررسی نقش میانجی حاکی از آن است که عدالت دارای نقش واسطه‌گری در بین ساختار قدرت خانواده و سازگاری زناشویی ( $\beta = 0.10$  و  $P < 0.01$ ) است.

## نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس ساختار قدرت در خانواده با میانجی‌گری عدالت زناشویی در زوجین شاغل بود. براساس نتایج به‌دست آمده مؤلفه‌های ساختار قدرت خانواده توانستند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند. میزان بتا نیز نشان داد قلمرو قدرت، ساخت قدرت و شیوه‌ی اعمال قدرت تأثیر معنی‌دار بر سازگاری زناشویی دارند. این یافته با یافته‌های خاکپور، نظری و زهراکار (۱۳۹۳)، کیانی‌پور (۱۳۹۸)، باقرزاده، تقی‌زاده، محمدی، کاظم‌نژاد، پوررضا و عبادی (۱۳۹۵)، گری-لیتل، باوکم و هامبی<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) در یک راستا می‌باشد. خانواده‌های سالم ساختار سلسله‌مراتبی بین نسلی روشن و مشخصی دارند تا جایی که برای مسائل مهم در رأس هستند و رأی نهایی را در تصمیمات مهم خانواده ارائه می‌دهند. وقتی خانواده‌های سالم از یک مرحله از چرخه‌ی زندگی به مرحله‌ی دیگر وارد می‌شوند، به اندازه‌ی کافی از خود انعطاف نشان می‌دهند که قواعد خانوادگی و نقش‌های خود را تغییر دهند تا نیازهای هر مرحله را تأمین کنند. مشکل وقتی پیش می‌آید که ساختار سلسله‌مراتبی مبهم باشد و در خانواده انعطاف برای گذر از یک مرحله از چرخه‌ی زندگی به مرحله دیگر وجود نداشته باشد (کر، ۲۰۰۶). همچنین استفاده از قدرت در روابط زناشویی می‌تواند کیفیت روابط را نیز تحت تأثیر قرار دهد و استفاده از شیوه‌های سخت قدرت مانند حالت ارباب-برده در روابط، می‌تواند باعث نارضایتی گردد؛ اما در مقابل شیوه‌های آسان‌گیر قدرت کمتر موجب نارضایتی زناشویی می‌گردد؛ زیرا این روش‌ها کمتر رهنمودی است و اجازه می‌دهد زوج در تعیین هدف‌ها بیشتر مشارکت کنند (اسوارلد و همکاران، ۲۰۰۸؛ نقل از خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴). هم‌چنین با توجه به فرهنگ ایرانی-اسلامی ساخت قدرت در خانواده به‌صورت دموکراتیک است یعنی زوجین در مسائل درون خانوادگی با تعامل صحیح و گفتگو برای خود تصمیم مشترک می‌گیرند و از طرفی دیگر با توجه به تفاوت‌های روان‌شناختی، زیستی و اقتصادی نقش‌های جنسیتی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که براساس آن مرد منبع اقتدار و مرکزیت در خانواده و زن نیز منبع عاطفی و مدیر داخلی خانواده

1. Gray-Little, B., Baucom, D. H., & Hamby

به‌شمار می‌رود و دخالت در تصمیم‌گیری به‌صورت مشترک در خانواده باعث افزایش نزدیکی و سازگاری زناشویی می‌گردد (زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین با توجه به نقش سلسه مراتب قدرت در خانواده‌های ایرانی و نقش آن بر سلامت خانواده‌های نظامی، به‌نظر منطقی می‌رسد که مؤلفه‌های ساختار قدرت خانواده در پیش‌بینی سازگاری زناشویی مؤثر باشند.

نتایج به‌دست آمده نشان داد که عدالت زناشویی توانست سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. این یافته با یافته‌های غفاری و رمضانی (۱۳۹۸)، دهقانی ششده و یوسفی (۱۳۹۸)، فرامرزی، خجسته مهر و رجیبی (۱۳۹۱)، قبادی، دهقانی، منصور و عباسی (۱۳۹۰)، آسوده، خلیلی، دانش‌پور و لواسانی (۱۳۸۹)، کایابول و سومر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، داینتون (۲۰۱۶) در یک راستا می‌باشد. طبق این یافته‌ها، می‌توان چنین بیان کرد که با توجه به تغییرات فرهنگی- اجتماعی و تأثیر این تغییرات در ازدواج و تعاملات زوجین، امروزه ایجاد ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر عدالت‌محوری در رابطه، اهمیت بیشتری دارد. عدالت و اجرای آن تأثیر مهمی بر انگیزه‌ها، اهداف و رفتار انسان دارد. اگر زوجین به‌دنبال تداوم رابطه‌ی خود هستند، نمی‌توانند نسبت به برقراری عدالت در رابطه با همسر، بی‌تفاوت باشند. در شرایط فرهنگی- اجتماعی عصر حاضر، زوجین باید هوشمندانه به ارزش‌ها، نگرش‌ها، نیازها، دغدغه‌ها و مشکلات یکدیگر توجه نشان دهند تا بتوانند قضاوت درستی از مفهوم و ادراک عدالت نزد همسر و در نهایت، کیفیت رابطه خود داشته باشند و ارزش اخلاقی تلاش برای منافع مشترک را مدنظر قرار دهند. چرا که عدالت از جمله الزامات هر نوع مشارکت اجتماعی است به طوری که استمرار حضور افراد در گروه‌ها و نیز روابط بین‌فردی نزدیک، به نحوه‌ی ادراک آنان از چگونگی رعایت عدالت بستگی دارد. ادراک بی‌عدالتی به‌عنوان یک عامل تنش‌زا، می‌تواند منجر به تضعیف روحیه و افزایش تجربه‌ی پریشانی و هیجانات منفی که بستر ساز بروز پرخاشگری ارتباطی هستند، شود و از این طریق بر سازگاری زناشویی تأثیر منفی بگذارد. چنان که یافته‌های این پژوهش نشان داد که اگر سطح ادراک عدالت پایین باشد، رضایت و انسجام زناشویی از طریق افزایش سطح کناره‌گیری عاطفی، کاهش می‌یابد. از سویی دیگر،

1. Akçabozan Kayabol & Hatipoğlu Sümer

چنان که یافته‌ها نشان داد، عدم ادراک رویه‌ها و تعامل عادلانه از سوی همسر، سطح خراب کردن وجهی اجتماعی همسر را در فرد افزایش می‌دهد و متعاقب آن منجر به کاهش توافق و سازگاری زناشویی می‌شود. توجه به تأثیر عدالت زناشویی بر کیفیت زناشویی از این جهت حائز اهمیت است که در زندگی بسیاری از زوجین، کناره‌گیری عاطفی و تخریب وجهی اجتماعی ناشی از ادراک بی‌عدالتی، ممکن است دور باطلی از کاهش کیفیت زناشویی و کاهش بیشتر عدالت زناشویی را موجب گردد و در نهایت به احتمال بسیار زیاد سرنوشت رابطه را به سمت خصومت، نفرت، دلزدگی، بی‌تفاوتی عاطفی و جدایی سوق دهد. بنابراین به نظر منطقی می‌رسد که عدالت زناشویی به سازگاری زناشویی زوجین کمک کند.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ساختار قدرت خانواده دارای تأثیر مستقیم مثبت بر سازگاری زناشویی است. همچنین، بررسی نقش میانجی حاکی از آن است که عدالت زناشویی دارای نقش واسطه‌گری در بین ساختار قدرت خانواده و سازگاری زناشویی است. این یافته با یافته‌های غفاری و رمضانی (۱۳۹۸)، عزیزپور و صفرزاده (۱۳۹۵)، عباسپور و قنبری (۱۳۹۷)، قبادی، دهقانی، منصور و عباسی (۱۳۹۰)، کایابول و سومر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در یک راستا می‌باشد. ساختار قدرت در خانواده می‌تواند بر عدالت یا ادراک عدالت تأثیر بگذارد (هوچسچیلد، ۱۹۹۸؛ ویلکی و همکاران، ۱۹۹۸). ساختار قدرت در خانواده می‌تواند به بهتر شدن ازدواج کمک کند زیرا سنگینی مسئولیت‌های مختلف را به طور مساوی و برابر توزیع می‌کند. زمانی که یک زن در بیرون از خانه کار می‌کند، فشار کاری شوهر را درک کرده و نمی‌خواهد مسئولیت را شوهرش به تنهایی به دوش بکشد. بنابراین، ساختار قدرت در خانواده و تساوی نقش‌ها می‌تواند برای ازدواج مفید باشد. همچنین ساختار قدرت در خانواده به طور غیرمستقیم و از طریق ادراک عدالت هم می‌تواند بر سازگاری زناشویی تأثیر بگذارد. ادراک عدالت یک عامل بسیار مهم در روابط سالم است. انسان‌ها همیشه در روابط اجتماعی، اقتصادی و زناشویی خود به دنبال روابط منصفانه هستند (لامرت، ۲۰۰۳). امروزه در زندگی زناشویی مسئولیت‌ها تقسیم شده و هنگامی که اهداف

1. Akçabozan Kayabol & Hatipoğlu Sümer



برآورده نمی‌شوند، هر یک از زوجین از خود می‌پرسند چرا باید این رابطه را حفظ کنم در حالی که بهای زیادی برای آن می‌پردازم (فرامرزی، ۱۳۸۸). به طور کلی می‌توان گفت گرچه ساختار قدرت خانواده به طور مستقیم بر سازگاری زناشویی تأثیر می‌گذارد، اما ترکیب این اثر با عدالت زناشویی است که بر سازگاری یا ناسازگاری زناشویی تأثیر قوی‌تری می‌گذارد. توزیع قدرت و عدالت در یک رابطه ممکن است بر اساس فرهنگ و قومیت متفاوت باشد. به نظر می‌رسد ترکیب این دو متغیر در خانواده‌های نظامی نقش بسیار مهمی در سازگاری زوجی باشد. بنابراین پرداختن به مسائل عدالت زناشویی با زوج‌ها بسیار مهم است، زیرا ممکن است آن‌ها با سطوح مختلفی از شادی یا در برخی موارد رفتار خطرناک مرتبط با توازن قوا در ساختار خانواده رابطه داشته باشند (فریسکو و ویلیامز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). بنابراین با توجه اهمیت ادراک زوجین از عدالت زناشویی و اهمیت این متغیر در توازن ساختار قدرت در خانواده به نظر منطقی می‌رسد که ساختار قدرت در خانواده بر سازگاری زناشویی از طریق عدالت زناشویی اثر غیر مستقیم مثبت داشته باشد.

به طور کلی نتایج نشان داد که متغیر برون‌زا، ساختار قدرت در خانواده از طریق عدالت زناشویی قادر بر سازگاری زناشویی دارای اثر مستقیم و غیرمستقیم است. از لحاظ ارزش عملی، اطلاعات حاصل از مطالعه‌ی حاضر می‌تواند برای ارتقاء سلامت خانواده، و برای مشاوران، روان‌شناسان، مددکاران و پژوهشگران حوزه خانواده مورداستفاده قرار گیرد. در خصوص محدودیت‌های پژوهش، نخست باید به این نکته توجه کرد که در استنباط علی از نتایج باید جوانب احتیاط را رعایت کرد و دوم اینکه متغیرهای مداخله‌گر جمعیت‌شناختی نظیر وضعیت اقتصادی-اجتماعی و متغیرهای شخصیتی و تاریخچه زندگی در سازگاری زناشویی نقش مهمی دارند که در این پژوهش کنترل نشده‌اند که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش این متغیرها به عنوان تعدیل‌گر مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، شیوه‌ی اساسی جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مبتنی بر پرسش‌نامه بود، گرچه چنین شیوه‌ای در بیشتر پژوهش‌ها غالب است، ولی پیشنهاد

1. Frisco, L., & Williams

می شود اطلاعات هر متغیر با استفاده از چند روش مختلف جمع آوری گردد تا نتایج به دست آمده با اطمینان بیشتر مورد استفاده و تعمیم دهی قرار گیرد.

## فهرست منابع

- اینانلو گنجی، سمیه؛ منیرپور، نادر؛ زرغام حاجبی، مجید. (۱۳۹۸). مدل سازگاری زناشویی براساس سبک های فرزندپروری با نقش میانجی طرحواره حوزه محدودیت مختل و راهبردهای مقابله ای. **مجله مطالعات ناتوانی**. ۱۳۹۸؛ ۹ (۱۵): ۷۲-۷۲.
- آسوده، محمدحسن؛ خلیلی، شیوا؛ دانش پور، منیژه و لواسانی، مسعود قاسم. (۱۳۸۹). عوامل ازدواج موفق: حساب هایی از زوج های خوشحال توصیف شده از خود. ۵ (۳)، صص ۲۰۴۶-۲۰۴۲
- باقرزاده، راضیه؛ تقی زاده، زیبا، محمدی، عیسی؛ کاظم نژاد، انوشیروان؛ پوررضا، ابوالقاسم و عبادی، عباس. (۱۳۹۵). رابطه تعارض کار و خانواده با فرسودگی شغلی و رضایت زناشویی. **چشم انداز ارتقای سلامت**، ۶ (۱)، ۳۱-۳۶.
- جعفری نژاد، لیلا، خجسته مهر، رضا، رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۱). اثر ایدئولوژی برابری جنسیتی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی با میانجی گری ادراک عدالت (عدالت). **مجله دست آوردهای روان شناختی**. ۱۹ (۲)، ۱۵۹-۱۷۶.
- حسینی، سیدمحمد، یکتایی، عزیز، نظری، علی محمد، رسولی، محسن، شاکرمی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی نقش واسطه ای سبک حل تعارض غیر سازنده در رابطه سلامت خانواده اصلی با عدالت زناشویی. **فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه**، ۶ (۲۲)، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- خاکپور، ایمان، نظری، علی محمد، زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۳). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس مثلث سازی و ساختار قدرت در خانواده. **اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی**، ۹ (۳۳)، ۳۷-۴۶.
- دهقانی ششدهد، زهرا و یوسفی، زهرا. (۱۳۹۸). مدل سازی معادلات ساختاری میل به طلاق بر اساس متغیرهای سیستمی (مثلث سازی، رابطه با همسر) و متغیرهای روان شناختی (توافق پذیری و شیوه های کنترل) و متغیر اجتماعی (نحوه گذراندن اوقات فراغت) مادران شهر اصفهان. **خانواده پژوهی**. ۱۵ (۱)، ۱۷۰-۱۵۵.
- رجبی، غلامرضا؛ حیات بخش، لیدا؛ تقی پور، منوچهر. (۱۳۹۴). الگوی ساختاری رابطه ی مهارتمندی هیجانی، صمیمیت، رضایت و سازگاری زناشویی. **مشاوره و روان درمانی خانواده**؛ ۵ (۱): ۶۸-۹۲.
- سبحانی، جلیل؛ خانی، سعید و خانی، اسعد. (۱۳۹۲). الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی؛ مورد مطالعه دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. **جامعه شناسی مطالعات جوانان**، ۴ (۱۲)، صص ۷۷-۱۱۲.

سلم آبادی، مجتبی؛ کلانتر کوشه، سید محمد؛ شفیق آبادی، عبدالله. (۱۳۹۳). تدوین مدل سازگاری زناشویی با توجه به سبک زندگی اسلامی و کمال‌گرایی معلمان دوره متوسطه بیرجند. *پژوهش‌های مشاوره*؛ ۱۳ (۵۲): ۵۱-۷۳.

سلیمی هادی، نجارپوریان سمانه، محمدی کوروش، مهرعلی تبار فیروز جانی علی اصغر. پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس تصمیم‌گیری و حل‌مسأله، انسجام خانواده، راهبردهای مقابله، مهارت‌های ارتباطی و باورهای مذهبی (عوامل فرایندی خانواده). *رویش روان‌شناسی*. ۱۳۹۵؛ ۵ (۴): ۲۷-۴۶.

عارفی، مختار؛ رحیمی، روح‌اله؛ شیخ اسمعیلی، دنلیا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجهای جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایز یافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین. *فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش*؛ ۱۳ (۲): ۱۰۶-۸۷.

عباس پور، ذبیح‌الله و قنبری، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم تبعیض جنسیتی بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری ادراک عدالت. ۱۲۷-۱۴۰، (۴)۹.

عزیزپور، پروش، صفرزاده، سحر. (۱۳۹۵). نقش تعدیل‌کننده ادراک عدالت و رفتارهای فداکارانه در رابطه صمیمیت با همسر و کیفیت زناشویی. *خانواده پژوهی*. ۱۲ (۳): ۳۹۱-۴۱۱.

فرامرزی، سحر، خجسته مهر، رضا، رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی نقش ادراک عدالت بر کیفیت زناشویی. *مطالعات روانشناختی*. ۸ (۱): ۵۰-۳۱.

فرزادی، فاطمه؛ فرامرزی، حمید؛ شهنی بیلاق، منیجه و قاسمی، زهرا. (۱۳۹۵). رابطه‌ی علی رنج ادراک شده با رضایت زناشویی از طریق میانجی‌گری مهربانی، اعتماد، عدالت، همدلی و بخشش. *مطالعات زن و خانواده*، ۲ (۸)، صص ۶۵-۷۶.

قبادی، کاوه، دهقانی، محسن، منصور، لادن، عباسی، مریم. (۱۳۹۰). تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی. *خانواده پژوهی*، ۷ (۲): ۳۴-۴۶.

کیانی پور، فاطمه، ۱۳۹۸، نقش مثلث سازی و ساختار قدرت در پیش‌بینی طلاق عاطفی معلمان، *دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی*، اردبیل.

نظیری راد، ریحانه؛ امامی پور، سوزان؛ حسنی، فریبا. (۱۴۰۰). تدوین مدل سازگاری زناشویی بر اساس امنیت روانی، صفات شخصیت و سبک‌های دلبستگی: نقش واسطه‌ای رشد روانی. *خانواده درمانی کاربردی*؛ ۲ (۲): ۱۷۲-۱۵۰.

یوسف نیا، مهدی، قربان شیروودی، شهره؛ همایونی، علیرضا. (۱۴۰۰). مدل یابی ساختاری بین باورهای ارتباطی با سازگاری زناشویی از طریق میانجیگری مهارگری زناشویی در زنان متأهل. فصلنامه علمی - پژوهشی روشها و مدل‌های روانشناختی؛ ۱۲(۴۵): ۸۰-۹۲.

- Bali, A. Dhingra, R. & Baru, A. (2010). Marital adjustment of childless couples. *Journal of Social Sciences*, 24(1), 73-76.
- Beegam, H., Muqthar, M., Wani, M. A., & Singh, B. (2017). **Marital Adjustment among Single and Dual Working Couples.**
- Bell, L. G., Bell, D. C., & Nakata, Y. (2001). Triangulation and Adolescent Development in the U.S. and Japan. *Family Process*, 40 (2), pg. 173-186.
- Boertien, D., & Mortelmans, D. (2017). Does the relationship between personality and divorce change over time? A cross-country comparison of marriage cohorts. *Acta Sociologica*, 61(3), 300-316
- Brown, M. (2013). Benevolent Sexism, Perceived Fairness, Decision-Making, and Marital Satisfaction: Covert Power Influences, **Antioch University Seattle.**
- Camisasca, Elena, Miragoli Sarah & Blasio, Paola Di (2019). Children's Triangulation during Inter-Parental Conflict: Which Role for Maternal and Paternal Parenting Stress? *Journal of Child and Family Studies* volume 28, pages1623-1634
- Dainton, M. (2016). Equity, Equality, and Self-Interest in Marital Maintenance. *Communication Quarterly*, 65(3), 247-267. doi:10.1080/01463373.2016.1227346
- Dainton, M. (2019). Equity and relationship maintenance in first marriages and remarriages. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(8), 583-599. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1586420>
- Fosco, G. M., & Grych, J. H. (2010). Adolescent Triangulation Into Parental Conflicts Longitudinal Implications for Appraisals and Adolescent-Parent Relations. *Journal of Marriage and Family*, 72, (2), pg. 254-266
- Frisco, M. L., & Williams, K. (2003). Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households. *Journal of Family Issues*, 24, 51-72.
- Jenkins, J. M., & Buccioni, J. M. (2000). Children's Understanding of Marital Conflict and the Marital Relationship. *J. Child Psychol. Psychiat*, 41( 2), pg. 161-168.
- Kayabol, N. B. A., & Sümer, Z. H. (2020). How to maintain a marriage: Maintenance behaviors, equity, and appreciation in understanding marital satisfaction+. *Current Psychology*. doi:10.1007/s12144-020-00905-y
- Kramer, K. Z. and S. J. S. R. Pak (2018). "Relative Earnings and Depressive Symptoms among Working Parents: Gender Differences in the Effect of Relative Income on Depressive Symptoms." 78(11-12): 744-759
- Kursuncu, Mustafa Alperen; Bastemur, Sule.(2019). Family Triangulation Experiences of Turkish Young Women. *Educational Policy Analysis and Strategic Research*, v14 n3 p312-329 Sep 2019.

- Mitrani, V. B., Feaster, D. J., McCabe, B. E., Czaja, S. J., & Szapocznik, J. (2005). Adapting the Structural Family Systems Rating to Assess the Patterns of Interaction in Families of Dementia Caregivers. **Gerontologist**, 45 (4), 445-455
- Sabre K. (2016). Marital Adjustment among Women: A Comparative study of nuclear and joint families. **The International Journal of Indian Psychology**;3(5):26-32.
- Steele, H., & Steele, M. (2018). Handbook of attachment-based interventions. New York: Guilford Press.
- Tzanakou, C. (2017). Dual career couples in academia, international mobility and dual career services in Europe. **European Educational Research Journal**, 16(2-3), 298- 312.
- Wang, L., & Crane, D. R. (2001). The Relationship Between Marital Satisfaction Marital Stability, Nuclear Family Triangulation and Childhood Depression. **The American Journal of Family Therapy**, 29, 337- 347
- Yuan Xiaojiao. (2019). Family-of-Origin Triangulation and Marital Quality of Chinese Couples: The Mediating Role of In-Law Relationships. **Journal of Comparative Family Studies**. Volume 50 Issue 1, 2019, pp. 98-112.

